

إعرف الحق تعرف أهله

۱۷

سلسله پژوهش های اعتقادی

غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی،غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی المجلد ۱۷

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی: حدیث‌الغدیر‌التبلیغ‌الاخیر لامامه‌الامیر.فارسی

عنوان و نام پدیدآور: غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی / علی حسینی‌میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۹ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۱۷.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۱۹-۴

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتاب حاضر یکی از مقالات ارائه شده در همایشی تحت عنوان "همایش امام علی علیه السلام بزرگداشت چهاردهمین قرن برپائی غدیر" در لندن در سال ۱۳۶۹ است.

یادداشت: ص.ع.به انگلیسی:.Ali Husayni Milani.Ghadir،the last position for public declaration

یادداشت: کتابنامه: ص.[۷۵] - ۷۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- .اثبات خلافت

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵۴/ح۵۸۵ح ۴۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۴۴۰۹۴

سرآغاز ... ص: ۷

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۹

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۱

الحمد للَّه ربّ العالمین، والصّلاهٔ والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله

الطیّبین الطّاهرین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۱

در سال ۱۴۱۰ هجری قمری برابر بـا ۱۳۶۹ هجری شمسی، به مناسبت هزار و چهارصدمین سال برپایی واقعه غدیر به همّت برخی مؤسّسات شیعی خارج از ایران، همایش بین المللی بزرگی در لندن برگزار شد. در آن همایش اندیشمندان و صاحب نظران نامور بسیاری از کشورهای جهان حضور داشتند. نوشتاری که اکنون پیش روی شماست؛ یعنی غدیر آخرین جایگاه اعلام عمومی به همین مناسبت و به منظور قرائت در این همایش جهانی نگارش یافته است.

البته متن حاضر به عنوان پیش‌گفتار آن پس از برگزاری همایش و خطاب به شرکت کنندگان و دست اندرکاران برپایی آن نگاشته شده است:

توفیقی حاصل شد که ما نیز در همایش بزرگ‌داشت غدیر حضور

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۲

یابیم و پای سخن برخی از بزرگان دانش و اندیشه نشسته و بهره‌ای گیریم و استفاده ببریم؛ از این رو لازم می‌دانم پیش از هر سخن از تمام زحمات و تلاش‌های مادی و معنوی به عمل آمده در راه برگزاری این محفل فرهنگی و از استقبال و پذیرایی نیکوی برگزار کنندگان آن تقدیر و تشکر نمایم.

با این حال احساس مسئولیت مرا بر آن می‌دارد که نکاتی چند را نیز پیرامون این همایش و مقالات و سخنان ارائه شده در آن متذکر شوم و امید آن دارم که به این وسیله، باری را که بر دوش خود احساس می‌کنم به مقصد رسانده و وظیفه خویش را به انجام رسانم.

چنان که نیک می‌دانیم این همایش به نام «همایش امام علی علیه السلام و بزرگ‌داشت چهاردهمین قرن برپایی غدیر» و به همین مناسبت فرخنده برگزار شد. ما نیز به این محفل دعوت شده بودیم و مقالات و سخنان خویش را نیز به همین مناسبت آماده کرده بودیم.

پرواضح است که مقصد و مقصود نهایی از برپایی چنین گفتمانی بیان و تبیین حقایق و واقعیت‌هایی مرتبط با واقعه عظیم غدیر خم خواهد بود.

اما متأسفانه تریبون همایش به صحنه طرح آرا و نظریاتی که جایگاه طرح آن‌ها زمان و مکان دیگری بود تبدیل گشت، گرچه این نظرات نیز از حس دینی برخاسته بود؛ آن چنان که جناب مستطاب آقای سید مرتضی عسگری نیز بدان اشاره نمودند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۳

امّا اگر برگزار کنندگان این همایش بین المللی از تحوّل موضوع گفتمان از «غدیر خم» به «وحدت بین فرق اسلامی» آگاهی داشته‌اند، چگونه است که به اطلاع میهمانان و دعوت شدگان نرسانده‌اند تا همگی موضوع سخن و نوشتار خویش را بر اساس آن تنظیم کنند، نه آن که فقط برخی چنین کنند و اگر برگزار کنندگان نیز از این تغییر آگاه نبوده‌اند، چگونه و چرا چنین تغییری صورت گرفته است؟

اینک نکاتی را پیرامون سخنان برخی فضلا و اساتید گرامی بیان می‌کنیم.

در این همایش، جمعی از آقایان محترم که در سخنان خویش به مسأله وحدت بین فرقه‌های اسلامی پرداختند. برخی فقط به دعوت دیگران به این امر اکتفا نموده و راهکاری برای ارائه نداشتند و برخی نیز راهکارهایی را مطرح فرمودند که البته آن چه را که هر یک از این آقایان ارائه نمود- آقای سید مرتضی عسگری، شیخ محمّد مهدی شمس الدین و شیخ بوطی- با دیگری تفاوت اساسی و مبنایی داشت.

در این میان طرح دیگری نیز وجود دارد که ای کاش قبلًا آماده کرده و اجازه قرائت در همایش را می‌یافت. این طرح را نگارنده، از جدّ عظیم الشأن مرجع بزرگ شیعه، آیت اللّه العظمی سید محمّد هادی میلانی رحمه اللّه اخذ کرده‌ام و اکنون در منظر دید و اندیشه شما قرار می‌دهم و بر شماست که آن چه را نیکوتر است برگزینید که این فرمان

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۴

خدا در کتاب عزیزش است که فرمود:

«فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛ «۱»

پس بندگان مرا مژده ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند.

همگی نیک می‌دانیم که قرآن کریم مسلمانان را به وحدت فراخوانده و از اختلاف و جدایی بر حذر داشته است، آن جا که خدای

متعال فرموده است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعًا وَلا تَفَرَّقُوا»؛ «۲»

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و از تفرقه بپرهیزید.

و پیامبر گرامی اسلام صلی اللّه علیه وآله- که به تعبیر قرآن «بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ» «۳»

بر مراعات حال مؤمنان حریص و شفقت مهربانیش بر آنان زبانزد و آشکار بود و به خوبی می‌دانست پس از وفاتش چه خواهد شد- فرموده:

ستفترق امّتی علی ثلاث وسبعین فرقهٔ؛ «... ۴»

پس از من به زودی امتم ۷۳ گروه خواهند شد...

---

(۱). سوره زمر: آیه ۱۷ و ۱۸.

(۲). سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

(۳). سوره توبه: آیه ۱۲۸.

(۴). ر. ک: فیض القدیر: ۵/ ۴۹۰، مناقب آل ابی طالب: ۲/ ۲۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۵

همگان را به وحدت و یکپارچگی امر فرموده و از جدایی و تفرقه بر حذر داشته‌اند.

حال با توجّه به این که آن حضرت می‌دانستند که پس خود چه خواهد شد و نسبت به امت کمال شفقت را داشتند و همگان را از تفرقه و جدایی بر حذر داشته‌اند، آیا می‌شود باور کرد که خودشان راهکاری پیش روی امت قرار نداده و آنان را برای رسیدن به مقصد که همانا هدایت و رستگاری و نجات در آخرت است، راهنمایی نکرده باشند؟

آیا می‌شود باور کرد که آیه مبارکه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعًا وَلا تَفَرَّقُوا» «۱»

را تفسیر نکرده و مصداق «حبل اللَّه» را که مراد خداوند متعال است معیّن نکرده باشند؟

اگر آن حضرت راه را ارائه فرموده و آیه مبارکه را تفسیر نموده باشند که تفسیر ایشان نیز وحی الهی است که فرمود:

«وَما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوی* إِنْ هُوَ إِلّا وَحْیٌ يُوحی». «۲»

آیا درست است که به گفته دیگران گوش دهیم و یا دور خود جمع شده و برای اسلام و مسلمانان از خودمان فکر کنیم؟

حال اگر ما اهمیّت و ضرورت وحدت اسلامی را از سخن گفتن

---

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

(۲). سوره نجم: آیات ۳ و ۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۶

درباره حدیث غدیر و دلالت آن بر امامت و ولایت برتر می‌انگاریم و معتقدیم که علم کلام موجب تفرقه بین مسلمانان است- آن گونه که آقای شیخ محمّد مهدی شمس الدین بیان کرد- و گویا که بزرگان شیعه و اهل سنّت، زندگی خود را در مباحثی که هیچ ثمری نداشته گذرانده و هم‌چنان می‌گذرانند؛ چرا به خدا و رسولش مراجعه نمی‌کنیم تا راه وحدت میان مسلمانان را از کتاب و سنت اخذ کنیم با آن که خدای سبحان در هر امر مورد اختلافی به رجوع به این دو فرمان داده و فرموده است که:

«فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ»؛ «۱»

پس هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر او باز گردانید.

و آن گاه درباره آن چه از آن حضرت رسیده فرموده:

«وَما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ «۲»

و آن چه را پیامبر برای شما آورده بگیرید و از آن چه شما را باز داشته، خودداری کنید.

آری، رسول اللَّه راه را نشان داده‌اند و به امت وصیت فرموده‌اند.

حدیثی داریم که همگی آن را روایت می کنیم؛ امّا چه خوب است

---

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹.

(۲). سوره حشر: آیه ۷.

بیاییم همگی به آن عمل کنیم! رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

إنّی تـارک فیکم الثقلین: کتاب اللَّه وعترتی أهل بیتی ما إن تمسّـکتم بهما لن تضـلّوا بعـدی وقـد نبّأنی اللطیف الخبیر أنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما؛

من دو چیز گران بهـا در میان شـما می گـذارم: کتاب خـدا و عترت و خانـدانم؛ مادامی که به آن‌ها تمسک کنیـد، هرگز پس از من گمراه نخواهیـد شـد. به راستی که خداونـد آگاه و دانای رازها به من خبر داد که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس بنگرید که پس از من چگونه با آن‌ها رفتار می کنید.

حدیث ثقلین را مسـلم نیشابوری، احمد بن حنبل، ترمذی، و بسیاری دیگر نقل کرده‌اند. «۱» با کمی تأمّل می‌یابیم که این حدیث به روشـنی تفسیر «حبل اللَّه» را برای ما بیان می‌دارد، به خصوص که در برخی از عبارت‌های دیگر این روایت آمده است که حضرت فرمودند:

ما إن اعتصمتم بهما؛

مادامی که به آن دو تمسّک کنید.

---

(۱)

. صحیح مسلم: ۷/ ۱۲۲ و ۱۲۳، مسند احمد: ۳/ ۱۴، ۵/ ۱۸۲ و ۱۸۹، سنن ترمذی: ۵/ ۳۲۹، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۱۰ و ۱۴۸، مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۲ و ۱۶۳، المصنّف ابن ابی شیبه: ۷/ ۱۷۶.

افزون بر این، از پیشوای ششم امام صادق علیه السلام نیز در ذیل این آیه روایت شده که فرمودند:

نحن حبل اللَّه؛ «۱»

ما همان حبل الهی هستیم.

اگر نیـک بنگریم می‌یـابیم که به یقین این حـدیث بهترین نقطه اشتراک و قـدر جـامع تمـام امت اسـلام است و از این روست که به پیروان فرقه‌های دیگر می گوییم- چنان که آقای سیّد مصطفی جمال الدین در قصیده خود گفتند- قدم در طرف نزدیک شدن با ما بگذارید، ما به شما نزدیک خواهیم شد.

اینک نکاتی درباره طرح وحدت شیخ بوطی لازم است به عرض برسانم:

ایشان در سخنان خود، بر حدیث غدیر هیچ اشکالی نداشت، نه در سند و نه در دلالت آن؛ ما بدین جهت از او متشکریم؛ زیرا برخی از علمای فرقه او حاضر نشده‌اند حدیث را روایت کنند و بعضی نیز عبارات آن را تحریف نموده و جمعی دلالت آن را انکار کرده‌اند؛ بلکه یکی از آنان حتی حضور حضرت امیر علیه السلام را روز غدیر خم منکر شده است!

هم‌چنین جناب شیخ بوطی بر وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام

---

(۱). المحتضر: ۳۲۷، تفسیر فرات: ۹۰، حدیث ۷۳، تفسیر ثعلبی: ۳/ ۱۶۳، شواهد التنزیل: ۱/ ۱۶۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۱۹

تأکید نمود که البته این موضوع به دلیل و برهان نیازی ندارد و نشانه اسلام به شمار می‌آید.

هم‌چنین جناب شیخ بوطی اقتدا به اهل بیت علیهم السلام را لازم و ضروری دانست و گفت لازمه هر محبتی اطاعت از محبوب است که «إنّ المحب لمن یحبّ مطیع».

سپس معلوم شد که این مطالب خوب را به جهت زمینه سازی برای کلام بعدی خود مطرح نموده، وی گفت:

واللّه، لو خالف علی أبا بکر لتابعناه ولکنّه بایع أبا بکر؛

به خدا سوگند، اگر علی با ابوبکر مخالفت می‌کرد ما نیز از او پیروی می‌کردیم، ولی او با ابوبکر بیعت کرد.

پس شما که شیعیان علی هستید نیز باید تبعیّت کنید و این است معنای وحدت.

پاسخ ما این است که درست است که امیر مؤمنان علی علیه السلام در مقابل آن چه سقیفه از او ستاند، سکوت اختیار کرد؛ اما آیا گمان می‌برید سکوت آن حضرت به معنای بیعت و رضایت اوست؟

چنان که می‌دانید و در مباحث فقهی نیز به اثبات رسیده که سکوت اعم از رضایت و عدم رضایت است، جز در یک یا دو مورد خاص.

جناب شیخ بوطی در ادامه تلاش نمود بر تئوری سکوت امیرالمؤمنین علیه السلام در قبال ماجرای سقیفه، شواهدی نیز ارائه نماید

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۲۰

و در این راستا به موضع خیرخواهانه حضرت علی علیه السلام به هنگام اقدام ابوبکر و عمر برای جنگ و خیرخواهی آن بزرگوار برای عثمان هنگامی که در محاصره مسلمانان قرار گرفته بود اشاره نمود.

اما جناب شیخ بوطی از این نکته غافل شده‌اند که خیرخواهی و نصیحت کسی که مشورت در کاری را می‌طلبد شأن هر مسلمان؛ بلکه هر انسان خردمند است و این نیز به معنای رضایت از اشخاص و پیروی و موافقت با آنان نیست.

البته جنابِ شیخ از خودداری امیر مؤمنان علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر که تاریخ‌نگاران بر آن هم‌نظرند، هیچ سخنی به میان نیاورد، همان گونه که در خطبه شقشقیه گوشه‌هایی از این ماجرا به روشنی توسط خود امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده است.

علاوه بر این جا دارد که به جناب شیخ بگوییم: درباره فاطمه زهرا علیها السلام چه می‌گویید؟ همو که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله وی را پاره تن خویش معرفی کرد- که به سبب صحّت این روایت و متفق بودن راویان بر آن، برخی بزرگانِ حدیث هم‌چون سهیلی و قرطبی با استناد به این حدیث آن بانو را از تمامی اصحاب پیامبر برتر و افضل دانسته‌اند- آیا آن عزیزِ رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به خلافت ابوبکر رضایت داشته است؟

مگر در حدیث صحیحی نیامده که

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۲۱

من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میتهً جاهلیهً؛ «۱»

هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

پس امام آن بانو که بوده است؟

مگر مدعای شیخ این نیست که به خدا سوگند! اگر علی علیه السلام با ابوبکر مخالفت می‌کرد به یقین ما هم به او اقتدا می‌کردیم؟

خوب ما هم می‌گوییم: به خدا سوگند! نظر علی علیه السلام همان نظر فاطمه علیها السلام بوده، اگر فاطمه علیها السلام با ابوبکر بیعت می‌کرد ما نیز به یقین به او اقتدا می‌کردیم.

وی در تکمیل طرح خویش گفت:

وإنّ عليّاً حارب معاوية ونحن مع علی فی حربه مع معاوية؛

و به راستی علی با معاویه جنگید و ما نیز با علی هستیم در جنگ او با معاویه.

پس اختلاف در کجا است که نیاز به وحدت و ترک اختلاف داریم؟

وی گفت:

منطقة الخلاف من الحسن المجتبی إلی الحسن العسکری، وهذا

---

(۱). الملل والنحل: ۱/ ۱۹۲، شرح المقاصد: ۲/ ۲۷۵.

الاختلاف اجتهادی؛

محل خلاف بین ما و شما از حسن مجتبی تا حسن عسکری است و این اختلاف اجتهادی است و نباید باعث تفرقه مسلمانان شود.

عجب (!!) ائمّه ما باعث اختلاف هستند؟!

باید گفت که حدیث «إنّی تارک فیکم الثقلین » ... به همراه حدیث «الأئمة من بعدی اثناعشر » « ... ۱»

- با آن که همگی بر صحت آن هم‌نظرند و باز هم عده‌ای از اهل سنّت پس از نقل آن، خود را به زحمت انداخته و سعی نموده‌اند معنای آن را به تحریف بکشانند- دلیلی است روشن و استوار بر امامت دوازده امام از ذریه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله.

البته احادیث بسیار دیگری نیز وجود دارد که جناب مستطاب آقای عسگری در سخنانشان به برخی از آن‌ها اشاره فرمودند.

پیروی از دوازده امام و اقتدای به ایشان در تمام امور دینی و دنیوی وصیت و سفارش رسول خدا صلی اللّه علیه وآله است و یگانه راهی است که رسول خدا برای رستگاری و نجات امت ارائه فرموده و این سخن که «امامت اینان مسأله‌ای اجتهادی است و به همین سبب مورد اختلاف قرار گرفته» سخنی به دور از انصاف و عدل است.

آقای بوطی در ادامه طرح وحدت خود گفت:

---

(۱). حدیث «الائمة من بعدی» یا «الخلفاء من بعدی اثنا عشر» از احادیث قطعی است.

ولو أنّ المهدی الّذی تقولون به ظهر وأسّس الدولة الإسلامية لبايعناه مثلكم؛

اگر آن مهدی که به او عقیده دارید آشکار شود و دولت اسلامی تأسیس کند البته ما نیز مانند شما با او بیعت خواهیم کرد.

جا دارد گفته شود که امام مهدی علیه السلام دوازدهمین امام از امامان اهل بیت علیهم السلام است که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله آنان را قرین قرآن قرار داده و تصریح فرموده که آنان و کتاب خدا از یک‌دیگر جدایی ندارند تا روز حشر که این موضوع نیز از جمع بین دو حدیث فوق- حدیث «إنّی تارک فیکم الثقلین » ... و حدیث «الأئمّة من بعدی اثناعشر » - ... به دست می‌آید.

البته حضرت مهدی، امام دوازدهم ما عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف زنده است و هم اکنون بر روی زمین زندگی می‌کند که اعتقاد به زنده بودن او نیز به شیعیان امامی اختصاص ندارد و گروه بسیاری از بزرگان اهل سنّت به این موضوع اعتراف نموده و درباره آن بزرگوار کتاب‌ها نگاشته‌اند.

اکنون، باید از شیخ بوطی سؤال شود که: اگر امامت ائمه از حسن مجتبی تا حسن عسکری علیهم السلام را قبول ندارد، آیا بنی امیه، بنی مروان و بنی العباس را به امامت می‌پذیرد؟

آیا به امامت یزید که جمعی از اهل بیت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را به خاک و خون کشید و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام که پس از

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۲۴

وی بر مسند حکومت نشسته‌اند معتقد است و باز هم سخن از وجوب محبت اهل بیت و اقتدا به آنان را زمزمه می‌کند؟

در پایان، آن چه بیان شد نکاتی نسبت به این همایش است و این چند صفحه، راهکاری برای وحدت بود که خدمت برادران فاضل و دانشمند تقدیم گردید تا کسی نگوید در حالی که مسلمانان در مواجهه با دشمن و در خطر هستند، نگارنده سخن از تفرقه و اختلاف به میان می‌آورم؛ بلکه معتقدم وحدت میان مسلمانان امری لازم و ضروری است؛ اما باید چگونگی آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد و نمی‌توان در چنین مسأله مهمی بر پایه آرا و نظرات غیر علمی عده‌ای سخن گفت- که بنابر آن چه در تاریخ می‌بینیم- به ویژه تاریخ معاصر- مسلمانان در همه جوانب و در برابر هر دشمن مشترکی، اتحاد و یگانگی خود را حفظ می‌کنند- بلکه باید این موضوع به طور دقیق و علمی مورد کنکاش قرار گیرد و تمام جوانب آن به گفت و گو گذاشته شود تا راهکاری که از آن به دست می‌آید بر اساس مبانی همگان، مورد قبول واقع شود و پس از مطرح شدن در جامعه پایدار بماند.

در پایان برای برگزارکنندگان این همایش موفقیت و برای شرکت کنندگان آن توفیق خدمت را امید دارم.

۲۲ ذی حجه ۱۴۱۰ ه

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۲۷

امامت حضرت امیر مؤمنان علی (ع ...) ص: ۲۷

اشارهٔ

الحمد للَّه ربّ العالمین والصلاهٔ والسلام علی خیر عباده محمّد وآله الطاهرین واللعنهٔ والعذاب علی أعدائهم أعداء اللَّه، من الأوّلین والآخرین.

روز غدیر، یادآور امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وانتصاب آن عزیز بر این مقام والا است.

اما او کدامین گاه امام نبوده تا از انتصابش بر این جایگاه رفیع، در غدیر یا دیگر زمان سخن گوییم؟

چه بسا این نکته بر برخی گران آمده و گویند: شگفتا از اینان! ما اثبات اصل امامت او را طلب می‌کنیم و خواهان دلیل بر جانشینی بی‌واسطه وی پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله هستیم، حال اینان می‌گویند: او کدامین زمان امام نبوده است؟

معنای چنین ادعای بزرگی چیست؟ و راه اثبات آن کدام است؟

به بیانی روشن‌تر آن چه را ما مدّعی آنیم، این سخن است که از

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۲۸

همان زمان که سرور ما محمّد مصطفی صلی اللّٰه علیه وآله پیامبر بوده، مولای ما علی مرتضی علیه السلام نیز امام و وصی او بوده است و خدای متعال در همان گاه که اراده و مشیتش بر نبوت و پیامبری آن بزرگوار تعلّق گرفته، بر امامت این عزیز نیز تعلّق یافته است.

چه بسا این کلام برگوش برخی ناآشنا و بر سینه بعضی گران آمده از آن رخ برتابند؛ ولی سزد پیش از آن که کلام مدّعی را شنوی به شتاب داوری نکن؛ پس نیک بنگر که راه این است.

امامت به دست خداوند است ... ص: ۲۸

پیش از ورود به اصل بحث، بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که امامت عهد و پیمانی به سان نبوت است. پس به دست خدای متعال بوده و هیچ کس بدان مقام رفیع نائل نمی‌گردد، مگر آن را که او اراده فرموده باشد و خداوند سبحان نیز تعیین این امر را حتی به پیامبر خود صلی اللّٰه علیه وآله وامگذارده تا چه رسد به امت او.

بر این نکته برهان‌های محکم و دلیل‌های متقن بسیاری از کتاب الهی و سنت نبوی دلالت دارند. در روایتی نقل شده، نبی اکرم صلی اللّٰه علیه وآله حتی در سخت‌ترین اوضاع و احوال و در هنگامه‌ای که بیش از هر زمان به یاری و نصرت نیاز داشت، باز هم براین امر تصریح می‌فرمود.

تاریخ نگاران و سیره نویسان آورده‌اند:

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۲۹

هنگامی که پیامبر خدا شریعت خود را بر قبایل عرب عرضه داشت، بعضی از آنان گفتند: «اگر ما بر آن چه می گویی با تو بیعت کرده و هم پیمان شویم و خدا تو را بر مخالفانت پیروز کند، آیا پس از تو رهبری این امر به دست ما خواهد بود؟»

آن حضرت پاسخ داد:

الأمر إلی اللّٰه یضعه حیث شاء؛ «۱»

این امر به دست خداست و او به هر که بخواهد واگذار می کند.

پس چه کسی است که خداوند خواست امر امامت برای او باشد؟

و چه وقت درخواست کرد؟

از عالم نور تا روز انذار ... ص: ۲۹

خداوند متعال در همان گاه که نبی اکرم صلی اللّٰه علیه وآله را آفرید، امیر مؤمنان علی علیه السلام را نیز خلق فرمود. آن دو بزرگوار در عالم نور یک نور و با هم آفریده شدند. سپس پروردگار سبحان اراده فرمود که محمّد بن عبداللّٰه صلی اللّٰه علیه وآله پیامبر باشد و علی بن ابی‌طالب علیهما السلام جانشین او و این امر از همان ابتدای آفرینش آن دو بزرگوار بود.

از این رو جانشینی و خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام در همان زمان

---

(۱). انسان العیون: ۲/ ۱۵۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۰

تثبیت شد که نبوت و پیامبری خاتم الانبیاء صلی اللّٰه علیه وآله تعیین گشت.

این موضوع را نبی اکرم صلی اللّٰه علیه وآله، همان راستگوی امین برای ما چنین بیان فرموده‌اند:

کنت أنا وعلیّ نوراً بین یدی اللّه عزّ وجلّ، یسبّح اللّه ذلک النور ویقدّسه، قبل أن یُخلق آدم بألف عام، فلَمّا خلق اللّه آدم رکّب ذلک النور فی صلبه، فلم یزل فی شیء واحدٍ حتّی افترقنا فی صلب عبدالمطّلب، ففیَّ النبوّة وفی علیّ الخلافة؛

هزار سال پیش از آفرینش آدم، من و علی در نزد خدای عزّ وجلّ یک نور بودیم. آن نور خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کرد تا هنگامی که پروردگار سبحان آدم را آفرید. آن گاه این نور را در صلب وی قرار داد. پس از آن نیز پیوسته این نور یکی بود تا سرانجام ما را در صلب عبدالمطلب به دو شاخه تقسیم فرمود و از این رو نبوت در من و جانشینی و خلافت در علی است.

هم‌چنین پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله می‌فرماید:

إنّ اللّه عزّ وجل أنزل قطعةً من نور، فأسکنها فی صلب آدم، فساقها حتی قسّمها جزءین، جزء فی صلب عبداللّه، وجزء فی صلب أبی طالب، فأخرجنی نبیّاً وأخرج علیّاً وصیّاً؛ «۱»

---

(۱). این حدیث را که به «حدیث نور» معروف است احمد بن حنبل شیبانی، ابوحاتم، عبداللّه بن احمد، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، ابن عبدالبرّ، خطیب بغدادی، ابن مغازلی، دیلمی، ابن عساکر، رافعی، محبّ طبری، ابن حجر عسقلانی و دیگران نقل کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر از این موضوع به جلد پنجم از موسوعه ما نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار که از نظر سند و دلالت بحث شده، مراجعه شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۱

خداوند عزّوجلّ نوری فرو فرستاده و در صلب آدم جای داد و آن را به همان شکل سیر داده تا سرانجام به دو بخش تقسیم نمود. بخشی را در صلب عبداللّه و بخش دیگر را در صلب ابوطالب به ودیعت نهاد.

سپس مرا نبی و علی را وصی من از صلب پدرانمان خارج نمود.

و بدین گونه همان زمان که سرور ما محمد مصطفی صلی اللّه علیه وآله به نبوت برگزیده شد، مولای ما علی مرتضی علیه السلام نیز به جانشینی و امامت بعد او انتخاب گردید...

سپس آن بزرگوار، پیامبر، زاده شد و این بزرگوار امام پس از او...

و چون آن حضرت مبعوث گشت این عزیز اول مسلمان شد. «۱»

---

(۱). پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله و اصحاب به این امر شهادت داده‌اند، و شخص امیر مؤمنان علی علیه السلام در موارد متعدّدی آن را بیان فرموده‌اند. ر. ک: المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۶، سنن ابن ماجه: ۱/ ۵۷، الخصائص نسائی: ۳، الاستیعاب: ۲/ ۴۵۷، اسد الغابه: ۴/ ۱۸، حلیة الاولیاء: ۱/ ۶۶، تاریخ طبری: ۲/ ۲۱۳، مجمع الزوائد: ۹/ ۱۰۲، تاریخ بغداد: ۴/ ۲۳۳، سنن ترمذی: ۲/ ۲۱۴ و دیگر منابع. البته اگر کسی بحث ما را ملاحظه کند خواهد دید که منظور از نخستین مسلمان همان معنای گفتار خداوند متعال است که می‌فرماید: «قُلْ إِنّی أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ»؛ «بگو من مأمورم که نخستین مسلمان باشم»؛ (سوره انعام: آیه ۱۴).

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۲

و هنگامی که آن حضرت خویشان و نزدیکان خود را هشدار داده و به یاری دعوت نمود، «۱» فقط این گرامی با او بیعت کرده و هم‌پیمان شد؛ همان زمان که فرمود:

یا بنی عبدالمطلب! إنّی بعثت لکم خاصّة وإلی الناس عامّة فأیّکم یبایعنی علی أن یکون خلیفتی؟

ای فرزندان عبدالمطلب! من برای شما به طور خاص و برای همه مردم به طور عمومی مبعوث شده‌ام؛ پس کدام یک از شما با من بیعت می‌کند تا جانشین من گردد؟

والبته تنها کسی که به آن حضرت پاسخ داد امیرالمؤمنین علیه السلام بود. «۲» گویا آن بزرگوار که این گونه پرسید و اعلام فرمود، مأمور شده

---

(۱). سوره شعراء: آیه ۲۱۴.

(۲). این حدیث را که به «حدیث الدار» معروف است محدّثان، تاریخ نگاران و سیره نویسان نقل کرده‌اند: از جمله احمد بن حنبل در مسند: ۱/ ۱۱۱، نسائی در الخصائص: ۱۸، طبری در تاریخ: ۲/ ۲۱۶، ابن اثیر جزری: ۲/ ۲۴، متقی هندی در کنز العمّال: ۶/ ۳۹۲، ۳۹۷، حلبی در سیره: ۱/ ۳۰۴، هیثمی و دیگر عالمان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۳

بود تا از اراده الهی و تقدیر وی در عالم ذر پرده افکند و بدین طریق سنگ زیرین امامت این عالم را در آن روز بنا نهد.

از روز انذار تا غدیر ... ص: ۳۳

از آن روز به بعد، نبی اکرم صلی اللّه علیه وآله در هر فرصت و موقعیت و در میان هر گروه و جماعت و در هر جنگ و نبرد از این حقیقت پرده برمی‌داشت و با عبارات و کلمات مختلف آن را به دیگران می‌رساند...

گاه او را به پیامبران تشبیه می‌کرد و می‌فرمود:

من أراد أن ینظر إلی آدم فی علمه، وإلی نوح فی فهمه، وإلی موسی فی مناجاته، وإلی عیسی فی سمته، وإلی محمّد فی تمامه وکماله وجماله، فلینظر إلی هذا الرجل المقبل؛

هر که می‌خواهد به علم آدم و فهم و درایت نوح و راز و نیاز موسی و سکینه و وقار عیسی و کمال و جمال محمّد بنگرد، به این مرد که نزد من می‌آید نگاه کند.

هنگامی که حاضران سرهایشان را بلند کردند وبرای دیدن این شخص گردن‌هایشان را کشیدند، تنها علی علیه السلام را دیدند. «۱»

---

(۱). این حدیث را که به «حدیث الأشباه» معروف است، عبدالرزّاق بن همام، احمد بن حنبل، ابوحاتم رازی، ابن شاهین، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، ابن مغازلی، دیلمی، محبّ طبری، و گروه دیگری نقل کرده‌اند و ما درباره سند و متن آن در موسوعه نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار بحث کرده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۴

در جای دیگر مقام ومنزلت او را نسبت به خویش مانند منزلت هارون نسبت به موسی بر می‌شمرد و می‌فرمود:

أنت منّی بمنزلهٔ هارون من موسی إلّاأنّه لا نبی بعدی؛ «۱»

تو برای من مانند هارون برای موسی هستی جز آن که پس از من پیامبری نخواهد بود.

در زمانی دیگر برتری وی را به سبب داشتن مهم‌ترین صفت و خصوصیت امام- یعنی اعلمیت- اعلام نموده و می‌فرمود:

أنا مدینهٔ العلم وعلی بابها، فمن أراد المدینهٔ فلیأتها من بابها؛ «۲»

---

(۱). حدیث منزلت را عدّه‌ای از دانشمندان اهل سنّت از جمله بُخاری، مسلم نیشابوری، احمد بن حنبل، ابوداوود طیالسی، ابن سعد، ابن ماجه، ابن حبّان، ترمذی، طبری، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبرّ، ابن حجر عسقلانی و دیگران نقل کرده‌اند. ما در موسوعه نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار از نظر سند و دلالت درباره آن بحث کرده‌ایم.

(۲). این حدیث را عبدالرزّاق بن همام، یحیی بن معین، احمد بن حنبل، ترمذی، بزّار، طبری، طبرانی، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، ماوردی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبرّ، بیهقی، دیلمی، ابن عساکر، ابن اثیر، نووی، مزّی، علائی، ابن حجر عسقلانی و دیگران نقل کرده‌اند. این موضوع در جلد دهم و یازدهم موسوعه ما نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار بیان شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۵

من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. هر کس که می‌خواهد وارد این شهر شود باید از دروازه آن وارد شود.

در مرتبه چهارم به محبوب‌ترین فرد در نزد خود و پروردگارش اشاره می‌فرمود؛ همان خصوصیتی که بی‌تردید برتری وی را از همگان و در نتیجه امامت او را بر دیگران به اثبات می‌رساند.

زمانی که مرغ بریان شده‌ای به نزد آن حضرت آوردند تا ایشان تناول فرماید، آن عزیز فرمود:

اللهمَّ إئتنی بأحبّ خلقك إلیك وإلی یأکل معی من هذا الطائر؛

پروردگارا! محبوب‌ترین فرد در نزد تو و من را به نزد من آور تا از این غذا میل کند.

ابوبکر پیش آمد؛ اما حضرت او را نپذیرفتند و دعای خویش را تکرار فرمودند.

عمر آمد و حضرت او را نیز نپذیرفتند.

سرانجام علی بن ابی‌طالب علیهما السلام به نزد ایشان آمد و حضرت نیز بی‌درنگ آن عزیز را دعوت نموده وبه همراه وی غذا را تناول فرمود. «۱»

---

(۱). این حدیث را ابوحنیفه، احمد بن حنبل، ابوحاتم رازی، ترمذی، بزّار، نعمانی، ابویعلی، طبری، بغوی، طبرانی، دارقطنی، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبرّ، ابن عساکر، ابن اثیر، مزّی، ذهبی، ابن حجر عسقلانی، و دیگران نقل کرده‌اند. این حدیث نیز یکی از احادیث بحث شده از نظر سندی و دلالتی در جلد سیزدهم موسوعه ما نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۶

در بار پنجم و در هنگامه نبرد خیبر، پس از آن که آن دو نفر- ابوبکر و عمر- شکست خوردند و باز گشتند، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

لُاعطین الرایهٔ غداً رجلًا یفتح اللَّه علی یدیه یحبّ اللَّه ورسوله ویحبّه اللَّه ورسوله؛

فردا پرچم سپاه مسلمانان را به مردی می‌دهم که خداوند پیروزی را به دست او قرار خواهد داد. او خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند.

شب را همگی به انتظار گذرانده و امید گرفتن پرچم را از دستان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در دل می‌پروراندند؛ ولی صبح دمان حضرت فرمود:

أین علی؟

علی کجاست؟

گفتند: چشم درد دارد.

با این حال حضرت او را طلبیدند و از آب دهان مبارك خویش بر

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۷

چشم او نهادند و برایش دعا فرمودند و چنان شد که گویا هیچ دردی در میان نبوده است. سپس پرچم را به او دادند تا آن که

پیروزی و فتح به دست او جاری شد. «۱» در دفعه ششم که ابوبکر را برای ابلاغ سوره برائت به اهل مکه مأمور کرده بودند، از میانه راه وی را عزل نموده و حضرت علی علیه السلام را برای این امر مهم فرستاده و فرمودند:

لا ینبغی لأحد أن یبلّغ هذا إلّارجل من أهلی؛ «۲»

شایسته نیست کسی تبلیغ این امر را به دست گرفته و پیام الهی را به دیگران رساند، مگر آن کس که از اهل من باشد.

این موارد یکی پس از دیگری ادامه یافت تا آن که روز غدیر

---

(۱). «حدیث رایت» را بخاری و مسلم در موارد متعددی در صحیح خود از جمله در بخش فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند و احمد بن حنبل در مسند: ۵/ ۳۲۲، و نسائی در الخصائص: ۶، ابن سعد در الطبقات الکبری: ۲/ ۸۰، ابن عبدالبرّ در الاستیعاب: ۲/ ۴۵۰، بیهقی در السنن الکبری: ۶/ ۳۶۲، متّقی هندی در کنز العمّال: ۵/ ۲۸۴، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: ۸/ ۵، ابن ماجه، حاکم نیشابوری، هیثمی و دیگران نقل کرده‌اند. ما در این باره نوشتار جداگانه‌ای داریم که در سلسله نوشتارهای اعتقادی چاپ شده است.

(۲). این حدیث را ترمذی در سنن: ۲/ ۱۸۳، نسائی در الخصائص: ۲۰، حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۵۱، احمد بن حنبل در مسند: ۱/ ۳ و ۱۵۱، هیثمی در مجمع الزوائد: ۹/ ۱۱۹، متّقی هندی در کنز العمّال: ۱/ ۲۴۶، جلال الدین سیوطی در الدرّ المنثور: ۳/ ۲۰۹ و عدّه‌ای از حافظان اهل سنّت نقل کرده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۸

فرا رسید. آن هنگام که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله واپسین روزهای عمر شریف خود را سپری می‌نمود، فرمان یافت آن چه را از ابتدای دعوتش بارها و بارها فرموده بود بار دیگر بر همگان اعلام نماید. بدین سان ماجرای غدیر و حدیث آن واقع شد؛ همان واقعه عظیمی که دانشمندان مسلمان بر ثبوتش اذعان، بر تواترش تصریح و پیرامونش کتاب‌ها نگاشته‌اند تا آن جا که از مسلّمات تاریخ گشته است؛ به گونه‌ای که شک و تردید در وقوع آن را به مثابه شک و تردید در وجود نبی اکرم صلی اللَّه علیه وآله و نبوّت آن بزرگوار می‌توان شمرد.

حدیث غدیر ... ص: ۳۸

پس از آن که آوای برپایی نماز جماعت به امامت خاتم پیامبران حضرت محمّد مصطفی صلی اللَّه علیه وآله در صحرای جحفه طنین افکند و تمام آن جمعِ بسیار صف بستند، حضرت نماز ظهر را با آنان اقامه فرمود. سپس از جا برخاسته و در مقابل آنان ایستاد و فرمود:

أیّها الناس! قد نبّأنی اللطیف الخبیر أنّه لم یعمّر نبی إلّانصف عمر الّذی قبله، وإنّی أُوشک أنْ أُدعی فأُجیب، وإنّی مسؤول وأنتم مسؤولون. فماذا أنتم قائلون؟

ای مردم! پروردگار لطیف و دانا مرا آگاه نموده که هر پیامبری نصف عمر پیامبر پیش از خودش زندگی خواهد کرد. پس زمان دعوت من

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۳۹

نیز نزدیک گشته و من به زودی آن را خواهم پذیرفت. پس بدانید- درباره آن چه انجام داده‌ام- از من سؤال خواهند کرد و شما نیز بازخواست می‌شوید. آن هنگام شما چه خواهید گفت؟

قالوا: نشهد أنّک قد بلّغت ونصحت وجهدت. فجزاک اللَّه خیراً؛

پاسخ دادند: همگی شـهادت می‌دهیم که تو پیام الهی را بر ما رسانده و ما را نصـیحت نمودی و در این راه تلاش بسیار کردی. خدا تو را جزای نیک دهد.

حضرت فرمود:

ألسـتم تشـهدون أنْ لا إله إلّااللّه، وأنّ محمداً عبده ورسوله، وأنّ جنّته حقّ، وناره حقّ، وأنّ الموت حقّ، وأنّ الساعهٔ آتیهٔ لا ریب فیها، وأنّ اللّه یبعث من فی القبور؟

آیا شـهادت می‌دهیـد که هیـچ معبودی جز خـدا نیست و محمد بنده و پیامبر اوست و بهشت و دوزخ و مرگ حق است و شـکی در قیامت نیست و خدا تمام مردگان را برخواهد انگیخت؟

پاسخ دادند: بر همه این‌ها شهادت می‌دهیم.

حضرت فرمود:

اللهمّ! اشهد؛

خدایا! تو بر سخن اینان گواه باش.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۰

سپس فرمود:

أیّها الناس! ألا تسمعون؟

ای مردم! آیا سخنان مرا خوب می‌شنوید؟

پاسخ گفتند: آری.

فرمود:

فإنّی فرط علی الحوض، وأنتم واردون عَلَیَّ الحوض، وإنَّ عرضه ما بین صنعاء وبصری، فیه أقداح عدد النجوم من فضّهٔ، فانظروا کیف تخلفونی فی الثقلین؛

بدانید که من در کنار حوض خواهم بود که شما بر من وارد می‌شوید.

وسـعت این حوض هم‌چون فاصـله شـهر صنعای یمن تا بصرای دمشق است و جام‌هایی از نقره به عدد ستارگان آسمان بر آن شناور است.

پس نیک بنگرید که پس از من چگونه از این دو شیء گران‌بها (که پس از خود بر جای می گذارم) پیروی می کنید؟

برخی پرسیدند: کدام دو شیء ای رسول خدا؟!

حضرت فرمود:

الثقـل الأـکبر کتاب اللّه، طرف بیـد اللّه عزّ وجلّ وطرف بأیـدیکم، فتمسّـکوا به لا تضـلّوا، والآخر الأصـغر عترتی، وإنّ اللطیف الخبیر نبّأنی أنّهما لن یتفرقا حتی یردا عَلَیَّ الحوض. فسألت ذلک لهما ربّی، فلا تقدموهما فتهلکوا،

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۱

ولا تقصروا عنهما فتهلکوا؛

ثقل اکبر همان کتاب خـدا که یک سوی آن در نزد پروردگار و سوی دیگرش در دست شـماست؛ و ثقل کوچک تر که عترت من است. به این دو تمسّک کنیـد تا گمراه نگردیـد. خداونـد لطیف خبیر مرا آگاه نموده که این دو هرگز از هم جـدا نمی‌گردند تا آن که در کنار حوض بر من وارد آیند. من نیز همین را در مورد آن دو از پروردگارم مسئلت نمودم. پس، از آن دو پیشـی نگیرید که هلاک می گردید و عقب نیز نمانید که نابود می‌شوید.

سپس آن حضرت دست علی علیه السلام را گرفته بلند نمود تا تمام آن جماعت ایشان را دیدند و ادامه داد و فرمود:

أيّها الناس! من أوْلى الناس بالمؤمنين من أنفسهم؟

ای مردم! چه کسی بر مؤمنان از خودشان صاحب اختیارتر است؟

پاسخ دادند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند.

حضرت فرمود:

إنّ اللّه مولای، وأنا مولى المؤمنين، وأنا أولى بهم من أنفسهم. فمن كنت مولاه فعليٌّ مولاه؛

خدای متعال مولای من و من مولای مؤمنان هستم و از خودشان بر ایشان شایسته‌ترم. پس هر که را من مولای او هستم، علی مولای اوست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۲

و این جمله را سه بار تکرار فرمود و ادامه داد:

اللّهمّ والِ من والاه، وعادِ من عاداه، وأحبّ من أحبّه، وأبغض من أبغضه، وانصر من نصره، واخذل من خذله، وأدر الحقّ معه حيث دار.

ألا فليبلّغ الشاهدُ الغائبَ؛ «۱»

پروردگارا! بر هر کس ولایتش را پذیرفت ولی باش و با آن کس که با او عداوت نمود دشمن باش و هر که او را دوست داشت دوست بدار و بر هر که به او بغض نمود خشم گیر.

یاورش را یار باش و هر کس که او را رها نمود رهایش کن.

و حق را هرگونه که او بود به دورش قرار ده.

آگاه باشید که شاهدان این سخن را باید به غائبان برسانند.

---

(۱). از جمله راویان «حدیث غدیر» عبارتند از: محمّد بن إسحاق، عبدالرزّاق، شافعی، احمد بن حنبل، بخاری در تاریخ خود، ترمذی، ابن ماجه، بزّار، نسائی، ابویعلی، طبری، بغوی، ابن حبّان، طبرانی، دارقطنی، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، بیهقی، ابن عبدالبرّ، خطیب بغدادی، زمخشری، ابن عساکر، ابن اثیر، ضیاء مقدسی، محبّ طبری، مزّی، ذهبی، ابن کثیر، ابن حجر عسقلانی، جلال الدین سیوطی و عالمانی دیگر. ما درباره این حدیث از نظر سند و دلالت در جلدهای ۶- ۹ در موسوعه نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار بحث نموده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۳

ویژگی‌ها و امتیازات غدیر ... ص: ۴۳

در غدیر آن چه را که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از ابتدای بعثتش به صورت پراکنده درباره حضرت علی علیه السلام فرموده بود جمع کرده و یک جا بیان نمود.

افزون بر آن، غدیر ویژگی‌هایی را درخود جای داد که پیش از آن در تبلیغ‌های دیگر پیامبر نبود. و بدین سان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار گردید که اهتمام و عنایتی خاص را در تمام جوانب می‌طلبید.

- از جمله این ویژگی‌ها صراحت کلام پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله و روشنی مقصود ایشان بود، تا آن جا که حضرت به کلام تنها اکتفا نفرموده و عملًا نیز مقصود خود را معرفی نمودند.

- ایشان در همان حال که سخن خود را می‌فرمودند، دست علی علیه السلام را که در جانب راستش ایستاده بود گرفته و بالا بردند و با این عمل نیز شخص مورد نظر خود را به همگان نشان دادند.

- از دیگر خصوصیات این تبلیغ نزدیک بودن زمان آن به وفات پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله و اطلاع خود حضرت از این امر بود. آن بزرگوار در ضمن خطبه‌اش فرمود:

یوشک أن ادعی فاجیب؛...

من به زودی به سوی پروردگارم دعوت می‌شوم که آن را خواهم پذیرفت...

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۴

پوشیده نیست که این گونه سخن در چنین موقعیتی، تأثیر عمیقی بر حاضران گذاشته و حجت را بر همگان تمام و هر عذر و بهانه‌ای را از آنان می‌ستاند.

- هم‌چنین از دیگر امتیازات ماجرای غدیر، وقوع آن در میان جمعیت بی‌نظیری از مسلمانان بود. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از مدتی قبل این حج را آخرین حجشان اعلام فرموده بودند؛ در نتیجه گروه‌های بسیاری از مسلمانان به مدینه آمده تا برای آخرین بار همراه پیامبرشان به حج مشرف شوند و عده زیادی نیز در هنگام مناسک به ایشان پیوستند تا از فیض همراهی با رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بهره برند و در نهایت جمعیتی را رقم زدند که جز خدای متعال شمارشان را نمی‌دانست.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به همراه این خیل عظیم مناسک حج را به پایان رسانده و راه بازگشت پیش گرفتند و چون به منطقه غدیر خم که محل جدایی راه‌های اهل مدینه از مصریان و عراقیان بود رسیدند، توقف نموده و به انتظار نشستند تا آنان که عقب مانده بودند برسند.

هم‌چنین امر فرمودند تا آنان که جلو رفته‌اند نیز بازگردند.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله پس از اقامه نماز برخاستند و خطبه مفصلی خواندند و بدین سان سخن خود را به گوش تمامی آنان رساندند.

- از دیگر ویژگی‌های تبلیغ غدیر، نزول کلام خداوند متعال است

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۵

که پیش از خطبه آن حضرت این آیه نازل شد: «۱» «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ»؛ «۲»

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از خطرات مردم حفظ می‌کند.

بعد از خطبه آن بزرگوار این آیه نازل شد: «۳» «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَرَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دینًا»؛ «۴»

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را آیین شما پذیرفتم.

---

(۱). نزول این آیه را در غدیر: طبری، ابن ابی‌حاتم، ابن مردویه، ثعلبی، ابونعیم اصفهانی، واحدی، ابوسعید سجستانی، حسکانی، ابن عساکر، فخر رازی، نیشابوری، عینی، جلال الدین سیوطی، و دیگران نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار.

(۲). سوره مائده: آیه ۶۷.

(۳). نزول این آیه را در غدیر: طبری، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن مغازلی، خوارزمی، حموینی، ابن عساکر، ابن کثیر، جلال الدین سیوطی، و دیگران نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار.

(۴). سوره مائده: آیه ۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۶

– هم‌چنین از دیگر نکات ممتاز این تبلیغ تبریک و تهنیت گفتن آن جماعت بر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

البته از نخستین کسانی که برای این امر، قدم پیش گذاشتند ابوبکر و عمر بودند ...! در حالی که می‌گفتند:

بخٍ بخٍ لک یابن أبی طالب، أصبحت وأمسیت مولای ومولی کلّ مؤمنٍ ومؤمنهٔ؛ «۱»

خوشا به حال تو ای پسر ابوطالب که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی.

– و نیز از نکات خاص این تبلیغ پیامبر صلی اللّه علیه وآله شعری بود که حسّان بن ثابت با اجازه خواستن از آن حضرت سرود. وی پس از اتمام سخنان پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله گفت: ای رسول خدا! به من اجازه فرمایید از سخنان شما درباره علی علیه السلام چند بیتی بسرایم.

حضرت فرمودند:

قل علی برکهٔ اللّه؛

به لطف و برکت خدا، بگو.

(۱). این روایت را ابوبکر بن ابی شیبه، احمد، ابوسعد خرگوشی، ثعلبی، ابوسعد سمعانی، خطیب تبریزی، ابن کثیر، مقریزی، محبّ طبری نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: ۷/ ۱۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۷

حسّان برخاست و چنین سرود:

ینادیهم یوم الغدیر نبیّهم بخمّ فأسمع بالرسول منادیا

وقد جاءه جبریل عن أمر ربّه بأنّک معصوم فلا تک وانیا

وبلّغهم ما أنزل اللّه ربّهم إلیک ولا تخش هناک الأعادیا

فقام به إذ ذاک رافع کفّه بکفّ علیّ معلن الصوت عالیا

فقال: فمن مولاکم وولیّکم فقالوا ولم یبدوا هناک تعامیا

إلهک مولانا وأنت ولیّنا ولن تجدن فینا لک الیوم عاصیا

فقال له: قم یا علیّ فإنّنی رضیتک من بعدی إماماً وهادیا

فمن کنت مولاه فهذا ولیّه فکونوا له أنصار صدق موالیا

هناک دعا اللّهمّ والِ ولیّه وکن للّذی عادی علیّاً معادیا

فیاربّ انصر ناصریه لنصرهم إمام هدی کالبدر یجلوا الدیاجیا؛ «۱»

پیامبرشان در روز غدیر در کنار غدیر خم به آنان خطاب نمود. پس تو نیز بر سخن پیامبر گوش فرا ده.

جبرئیل نیز از جانب پروردگارش به نزد او آمده و پیغام آورده بود که

(۱). این اشعار را حافظان اهل سنّت از جمله: ابوسعد خرگوشی، ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، ابوسعید سجستانی، موفّق بن احمد مکّی خوارزمی، ابوالفتح نطنزی، سبط ابن جوزی، حافظ گنجی، صدر حمّوئی، جمال زرندی، جلال الدین سیوطی و دیگران نقل کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر در این زمینه: ر. ک نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار: ۸ و جلد دوم الغدیر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۸

تو از گزند دیگران در امان هستی.

پس آن چه را خدا؛ پروردگار آن‌ها بر تو نازل نموده به اینان ابلاغ کن و از دشمنی‌ها نهراس.

پس او نیز برخاست و در حالی که دست علی را بالا برده بود با صدایی رسا اعلام کرد و گفت:

مولا و ولیّ شما کیست؟ آنان در حالی که هیچ کدامشان نمی‌توانستند به کوری تظاهر کنند، گفتند:

خدای تو مولای ما و تو نیز ولیّ ما هستی و امروز هیچ کدام از ما را از این امر روی گردان نمی‌یابی.

و پیامبرشان فرمود: ای علی! برخیز که من خشنودم که تو امام و هدایت‌گر پس از من هستی.

پس هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست. ای مردم موالی و یاران راستین او باشید.

سپس پیامبرشان دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! بر هر کس ولایتش را پذیرفت تو ولی باش و با آن که به او دشمنی نمود دشمن باش.

پروردگارا! یاورش را بر یاریش یار باش. یار همان امام هدایت‌گری که به سان ماه شب چهارده تاریکی‌ها را می‌زداید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۴۹

پر واضح است که سراینده این شعر از نامداران اصحاب پیامبر بوده و این ابیات را در حضور آنان و با اجازه آن حضرت سروده است و در پایان نیز پیامبر آن را تأیید نموده و نیکو شمردند.

عنایت و اهتمام به حدیث غدیر ... ص: ۴۹

به سبب نکاتی که یادآور شدیم، غدیر و حدیث آن از اهمیت و برتری خاصی نسبت به دیگر روزها و احادیثی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن‌ها این خبر عظیم را بیان کرده‌اند برخوردار گردید. از این رو اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان در راه اثبات و نشر آن در میان امت پیامبر از هر فرصتی بهره جسته و برای باقی نگه داشتن آن در اذهان و بر سر زبان‌ها در طول تاریخ و نیز برای حفاظت وصیانت از شأن نبی اکرم و دور نمودن هر نصبتی به آن بزرگوار همّتی والا بکار بسته‌اند.

البته آن چه موجب گشت تا بعد از وفات پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله اختلاف و نزاع برخیزد نیز همین امر بود؛ یعنی اعلام حق اهل بیت در امامت بعد از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به فرمان خدای متعال و آن که هیچ سخنی از جانب خداوند و پیامبرش بر خلافت آنان که بر مسندش تکیه زدند یافت نمی‌شد.

به همین سبب نیز امیر مؤمنان علی علیه السلام بارها و بارها اصحاب پیامبر را در مناسبت‌های مختلف بر این حدیث سوگند می‌دادند که

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۰

تاریخ نیز برخی از آن‌ها را برای ما نقل نموده است:

۱. در روز شورا از آن جماعت خواست تا بر سخنانش شهادت دهند و همگی آنان بدان اقرار نمودند؛ «۱» ۲. در جنگ جمل؛ «۲» ۳. در جنگ صفین؛ «۳» ۴. در کوفه. حاضران را بر این موضوع سوگند داد که عده‌ای اقرار کرده و برخی هم اظهار فراموشی نمودند که به آن اشاره‌ای خواهیم داشت؛ «۴» ۵. همچنین حضرت صدیقه کبری علیها السلام در سخنان خود به غدیر احتجاج نمود؛ «۵» ۶. دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام و بزرگان خاندان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نیز در سخنان خود به غدیر احتجاج کردند. «۶» همچنین جمعی از انصار که در میان آن‌ها ابوایوب انصاری،

(۱). الغدیر: ۱/ ۱۵۹.

(۲). همان: ۱/ ۱۸۶.

(۳). همان: ۱/ ۱۹۵.

(۴). ر. ک نفحات الازهار: ۹/ ۹- ۲۷.

(۵). اسنی المطالب: ۴۹.

(۶). الغدیر: ۱/ ۱۹۷- ۲۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۱

خزیمهٔ بن ثابت، عمار بن یاسر و پسر تیهان بودند، آن هنگام که در کوفه به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و گفتند: سلام بر تو ای مولای ما.

حضرت فرمود: چگونه من مولای شما هستم در حالی که شما از عرب‌های آزاد هستید و بنده کسی نیستید؟

آنان پاسخ دادند: ما خودمان در روز غدیر از پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله شنیدیم که فرمود:

من کنت مولا فعلی مولاه؛ «۱»

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

فراتر این که برخی از صحابه نیز در مقابل مخالفان خود به این حدیث احتجاج نموده‌اند. هنگامی که معاویه از سعد بن ابی‌وقاص خواست تا امیرالمؤمنین علیه السلام را سب نموده و دشنام دهد، سعد در پاسخ او به همین حدیث شریف احتجاج کرد. «۲»

---

(۱). این روایت را احمد بن حنبل، طبرانی، ابن مردویه، ابن اثیر، ابن کثیر، محبّ طبری، هیثمی، قاری و دیگران نقل کرده‌اند؛ ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: ۹/ ۱۳۹.

(۲). این روایت را بخاری، مسلم، احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه و دیگران نقل کرده‌اند. البته آنان برای کاستن از شناعت آن سخنان و پوشاندن ننگ‌های پیشوایشان معاویه با واژگان گوناگون در آن دخل و تصرّف کرده‌اند؛ چرا که در حدیث آمده است:

«روزی معاویهٔ بن ابوسفیان به سعد گفت: چرا به ابوتراب (علی علیه السلام) دشنام نمی‌دهی؟

سعد گفت: وقتی سه فضیلت از او را که پیامبر درباره او گفته به یاد می‌آورم نمی‌توانم به او دشنام دهم »....

ولی این جریان در برخی از کتاب‌ها چنین آمده است: معاویه در یکی از سفرهای خود به حج، نزد سعد رفت و سخن از علی علیه السلام به میان آمد. معاویه از آن حضرت بدگویی کرد. سعد از این امر خشمگین شد؛ آن گاه ویژگی‌های چندی از علی علیه السلام را یادآور شد که حدیث غدیر از آن جمله بود.

در البدایهٔ والنهایه ابن کثیر جمله «معاویه از آن حضرت بدگویی کرد و سعد خشمگین شد» حذف شده است.

احمد بن حنبل نیز این جریان را چنین نقل کرده است: در نزد شخصی سخن از علی علیه السلام به میان آمد، سعد بن ابی وقاص نیز که در آن جا حضور داشت گفت: آیا درباره علی بدگویی می‌کنید ؟...

و در کتاب الخصائص از سعد چنین نقل شده که گوید: روزی در جایی نشسته بودم که از علی بن ابی طالب بدگویی کردند.

من گفتم: به راستی که از پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله شنیده‌ام...

و برخی از نگارندگان حدیث، اصل داستان را حذف کرده و می‌نویسند:

سعد بن ابی وقاص گوید: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله درباره علی سه ویژگی بیان فرمود...:

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: ۶/ ۳۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۲

عمروبن عاص نیز در یکی از نامه‌هایش برای معاویه با همین حدیث به او پاسخ گفته است. «۱»

---

(۱). المناقب خوارزمی: ۱۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۳

شواهد حدیث غدیر ... ص: ۵۳

موارد بسیاری بر اثبات حدیث غدیر و دلالت آن بر امامت حضرت امیر علیه السلام گواه است که برخی از آن‌ها را به اختصار یادآور می‌شویم:

۱. شخصی که مرتد شده بود به نزد پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله آمد و گفت: ای محمّد! از طرف خدا به ما دستور دادی که گواهی بدهیم خدایی جز او نیست و تو هم پیامبر او هستی و گفتی نماز و روزه و حج به جای آوریم و زکات بپردازیم ما هم همه را قبول کردیم. اما تو به این‌ها راضی نشدی تا این که دست پسرعمویت را گرفتی و بالا بردی و او را بر ما برتر قرار دادی و گفتی: «هر که من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست». آیا این مطلب از جانب خود توست یا از طرف خدا؟

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

واللَّه الّذی لا إله إلّاهو! إنّ هذا من اللَّه؛

سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، این مطلب از طرف خداوند است.

آن مرد نیز به پیامبر پشت کرده و همان طور که به سوی مرکب خود می‌رفت گفت: خدایا! اگر آن چه محمّد می گوید راست است، سنگی از آسمان بر ما فرود آور و یا به عذابی سخت ما را مبتلا کن.

و پیش از آن که به مرکب خود برسد خداوند متعال سنگی بر او

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۴

نازل فرمود که بر سرش فرود آمده و از نشیمنگاهش خارج شد و در همان لحظه هلاک گشت.

سپس خداوند متعال این آیه‌های شریفه را بر پیامبرش وحی فرمود که این‌ها آخرین آیه‌های نازل شده در مورد غدیر بودند:

«سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ* لِلْكافِرينَ لَيْسَ لَهُ دافِعٌ* مِنَ اللَّهِ ذِی الْمَعارِجِ»؛ «۱»

تقاضا کننده‌ای درخواست واقع شدن عذابی کرد که برای کافران فرود آید که هیچ دفع کننده‌ای بر آن نیست. از سوی خداوندی که صاحب معارج است. «۲»

۲. هم‌چنین از جمله شواهد بر معنای حدیث غدیر، حدیثی است که با این عبارت نقل شده:

من کنت أولی به من نفسه فعلی ولیّه؛

هر کس که من بر او از خودش اولویت دارم علی نیز بر او اولویت دارد.

---

(۱). سوره معارج: آیه ۱- ۳.

(۲). نزول این آیه در این واقعه را ابوعبید هروی، ابوبکر نقّاش، ثعلبی، قرطبی، سبط بن جوزی، حموینی، زرندی، سمهودی، ابوسعود، شربینی، حلبی، منّاوی و دیگران نقل کرده‌اند. ر. ك: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: ۸/ ۳۴۰- ۴۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۵

۳. هم‌چنین روایت دیگری که اهل سنّت نقل کرده‌اند تأیید دیگری بر این معناست:

برخی به عمر بن خطاب گفتند: تو با علی به گونه‌ای هستی که با هیچ یک از صحابه پیامبر نیستی؟!

او پاسخ داد: زیرا او مولای من است. «۱» ۴. از دیگر شواهد بر معنای حدیث غدیر، کلام دانشمند بزرگ اهل سنّت ابن حجر مکّی است که در مقام جواب به این حدیث شریف می گوید:

«پذیرفتیم که او (امیرالمؤمنین علیه السلام) اولی و پیش تر است؛ اما نمی‌پذیریم که در امامت اولویت داشته باشد؛ بلکه وی فقط در اطاعت و تقرب، اولویت دارد؛ مثل این آیه قرآن که می‌فرماید:

«إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهیمَ لَلَّذینَ اتَّبَعُوهُ»؛ «۲»

به راستی سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کردند.

بر این ادعا نه تنها پاسخ محکمی در ردّ آن وجود ندارد؛ بلکه پاسخ ظاهری نیز بر رد آن یافت نمی‌شود؛ فراتر این که همین معنا واقع

---

(۱). ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار: ۹/ ۱۴۱- ۱۴۴.

(۲). سوره آل عمران: آیه ۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۶

شده؛ زیرا ابوبکر و عمر نیز همین معنا را فهمیده‌اند. به همین سبب وقتی آن سخن پیامبر را شنیدند به او (امیرالمؤمنین علیه السلام) گفتند: ای پسر ابوطالب! مولای هر مرد و زن مؤمن شدی.

و این روایت را دانشمند اهل سنّت، دارقطنی نقل کرده و هم‌چنین روایت کرده که به عمر گفته شد: تو با علی به گونه‌ای هستی که با هیچ یک از صحابه پیامبر نیستی؟ و او پاسخ داد: زیرا او مولای من است. «۱» در پاسخ ابن حجر می گوییم که اگر بپذیریم مقصود پیامبر از اولی بودن، اولی و شایستگی در پیروی است؛ با این وجود آیا کسی جز امام، اولویت و شایستگی در پیروی و اطاعت دارد؟

موضع گیری‌های ضد و نقیض ... ص: ۵۶

موضع صحابه و تابعین آن‌ها در جریان غدیر و پس از آن و به هنگام روبه‌رو شدن با حدیث غدیر تناقضی آشکار دارد؛ به گونه‌ای که در ابتدا ابوبکر و عمر تبریک گفتند و حسان شعر سرود. پس از وفات رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله گروهی بر آن شهادت دادند و جمع دیگری بر آن احتجاج کردند.

---

(۱). الصواعق المحرقه: ۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۵۷

در مقابل نیز فهری به نبوت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله شک و تردید وارد نمود.

ابوطفیل چنان وانمود کرد که گویا ماجرایی در کار نبوده و هیچ نمی‌داند، آن جا که می گوید: از نزد او (امیرالمؤمنین علیه السلام) در حالی که سخنانش برایم ناخوشایند بود، خارج شدم. با زید بن ارقم برخورد کردم و به او گفتم: از علی شنیدم که چنین و چنان ادعا می کند!

زید گفت: مگر تو نمی‌دانی؟ من خودم از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیدم که در مورد او چنین می‌فرمود. «۱» گروهی نیز همه

را کتمان کردند و امام علیه السلام آنان را نفرین کرد که از جمله آن‌ها عبدالرحمان بن مدلج، جریر بن عبداللَّه بجلی، یزید بن ودیعه، زید بن ارقم، انس بن مالک و براء بن عازب هستند.

احمد بن حنبل از عبدالرحمان بن ابی‌لیلی نقل می‌کند که او در محل رحبه حضور داشت. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

انشد اللَّه رجلًا سمع رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله وشهد یوم غدیر خم إلّاقام؛

هر کس را که در روز غدیر شاهد سخن پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله بوده سوگند می‌دهم که برخیزد.

دوازده نفر برخاستند و گفتند: هنگامی که پیامبر دست او

---

(۱). مسند احمد: ۴/ ۳۷۰، الخصائص: ۱۰۰، البدایهٔ والنهایه: ۷/ ۳۴۶، الریاض النضره: ۲/ ۲۲۳.

(امیرالمؤمنین علیه السلام) را گرفته بود ما وی را دیدیم و شنیدیم که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه، وانصر من نصره واخذل من خذله؛

خدایا! بر هر که او را ولی خود می‌داند، ولی باش و هر کس را که با او دشمنی می‌کند دشمن بدار و یاورش را یار باش و آن کس که او را خوار کند ذلیل نما.

اما سه نفر از جا برنخاستند. پس حضرت (امیرالمؤمنین علیه السلام) آن‌ها را نفرین کرد و هر سه به آن نفرین مبتلا شدند. «۱» و در روایتی که ابن اثیر نقل نموده این گونه آمده است: عدّه‌ای این مطلب را کتمان کردند. پس هیچ یک از دنیا نرفتند مگر آن که کور شده یا به بلایی سخت مبتلا گشتند. «۲» و در روایت متقی هندی نیز چنین آمده است: گروهی این مطلب را کتمان کردند و همگی پیش از مردن کور شده و پیسی گرفتند. «۳» راوی دیگری می‌گوید: نزد زید بن ارقم رفتم و به او گفتم:

خویشاوندی دارم که از تو حدیثی درباره علی علیه السلام در روز غدیر

---

(۱). مسند احمد: ۱/ ۱۱۹.

(۲). اسد الغابه: ۴/ ۳۲۱.

(۳). کنز العمّال: ۱۵/ ۱۱۵.

برای من نقل کرده است. دوست دارم این حدیث را از خود تو بشنوم.

زید گفت: شما اهل عراق هستید و مسائلی بین شما هست (که من نمی‌توانم مطلبی بگویم).

به او گفتم: از جانب من نگران نباش (و بگو).

او بعد از آن که مطمئن شد، گفت: آری، درست است. ما در منطقه جحفه بودیم که «... ۱» دیگری نقل می‌کند که به سعد بن ابی‌وقّاص گفتم: می‌خواهم مطلبی بپرسم، اما از تو بیم دارم.

سعد گفت: من که عموی تو هستم! پس هر چه می‌خواهی بپرس.

راوی گوید: به او گفتم: تو موقعیت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را در روز غدیر و در میان خودتان گفتی که «... ۲» شخص دیگری گوید که به زهری گفتم: از این ماجرا- غدیر- در شام سخن مگو که دو گوش تو، از دشنام به علی پر خواهد شد.

او در پاسخ گفت: سوگند به خدا! من فضایل و مناقبی از علی می‌دانم که اگر باز گو می‌کردم مرا می‌کشتند. «۳»

---

(۱). مسند احمد: ۴/ ۳۶۸.

(۲). کفایهٔ الطالب: ۶۲.

(۳). أسد الغابه: ۱/ ۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۰

غدیر و علما و دانشمندان ... ص: ۶۰

بیشتر محدّثان و متکلّمان ماجرای غدیر و حدیث آن را آن چنان که بوده نقل نموده‌اند «۱» که به برخی از مآخذ و مدارک آن‌ها اشاره نمودیم.

البته بعضی از آنان نیز به پیروی از پیشنیان خود (صحابه) آن را کتمان نموده‌اند.

بعضی دیگر بخش نخستین آن را نقل نکرده‌اند، آن جا که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

ألست أولی بالمؤمنین من أنفسهم؟

آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر نیستم؟

و برخی نیز بخش پایانی آن و دعای حضرت را نقل نکرده‌اند که فرمود:

---

(۱). یعنی ابتدا و انتهای حدیث را آن سان که پیش‌تر آوردیم، نقل نموده‌اند؛ ولی برخی ازآن‌ها جریان را به طور کامل روایت نکرده‌اند و گفته‌اند: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله خطبه خواند (مسند احمد: ۴/ ۳۷۲)؛ برخی گفته‌اند: «آن چه خدا می‌خواست گفت» (المستدرک: ۳/ ۱۰۹) برخی دیگر گفته‌اند: در آن روز آن چه تا روز رستاخیز نیاز بود بیان کردند (مجمع الزوائد: ۹/ ۱۰۵) با این بیانات راویان، پس سخنان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله که در روز غدیر بیان فرمود چه شد؟ و چرا آن خطبه تاریخی را نقل نکرده‌اند؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۱

اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه؛

پروردگارا! بر آن کس که ولایتش را پذیرفت ولی باش و آن کس را که با او دشمنی کند دشمن باش.

اگر چه هیچ کدام از این موضع گیری‌ها سودی نبخشید؛ چرا که:

اعتراض- آن چنان که فهری مرتکب شد- کفری بود که عذاب الهی را به دنبال خود نازل کرد.

کتمان حقیقت- چنان که برخی دیگر انجام دادند- عصیان بزرگی بود که نفرین و ذلّت را در پی داشت.

و تحریف روایت، خیانتی بود که گذشتِ روزگار آن را برملا می‌نمود.

با این حال تمامی این‌ها باید باشد، اما این بار با وجهه‌ای عالمانه و رنگ و لعابی علمی! یعنی خدشه در دلالت و معنای حدیث.

این موضع گیری و اقدام نیز- با آن که از جانب کسانی است که به احادیث و سخنان نقل شده در مورد غدیر توجهی ندارند- این نکته را آشکار می‌کند که بی‌تردید حدیث غدیر امر عظیمی را بیان نموده که این چنین مورد اختلاف و نزاع قرار گرفته است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۲

معنای حدیث غدیر ... ص: ۶۲

بی‌گمان هر انسان منصفی در قضیه غدیر و حدیث آن اندکی تأمّل کند، یقین می‌کند که واژه «مولی» در این حدیث شریف بر امامت حضرت علی علیه السلام و جانشینی آن بزرگوار تصریح دارد؛ زیرا پیامبر گرامی صلی اللَّه علیه وآله پیش از این عبارت

فرموده‌اند:

ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ «۱»

آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی و صاحب اختیارتر نیستم؟

حضرت با این سخن خویش به این آیه شریفه «النَّبِيُّ أَوْلى بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» «۲»

اشاره فرموده و بر لزوم پیروی آنان و نافذ بودن فرمانش، از آنان اقرار گرفت؛ آن سان که آیه شریفه نیز بر این امر دلالت دارد. «۳»

پس از این مقدمات بود که فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه؛ «۴»

و این

---

(۱). این جمله در ابتدای حدیث، در روایت احمد بن حنبل، ابن ماجه، بزّار، نسائی، ابویعلی، طبری، ابن حبّان، طبرانی، دارقطنی و دیگر محدّثان بزرگ اهل سنّت آمده است.

(۲). سوره احزاب: آیه ۶.

(۳). سوره حشر: آیه ۷.

(۴). این فراز را بـا «فـاء» تفریع احمـد بن حنبل، نسائی، طبری، طبرانی، ضیاء مقدسی، محاملی، ابویعلی، ابن کثیر، سمهودی، متقی هندی و دیگران نقل کرده‌اند.

همـان معنـایی بود که تمـام حاضـران در آن مجلس و در رأس آن‌هـا امیر مؤمنان علی علیه السـلام، حسّانِ شاعر، آن دو نفر و دیگر صحابه از سخن آن بزرگوار برداشت کردند.

هم‌چنین همان معنایی بود که فهری آن را انکار نمود، و بر ابوطفیل سنگین آمد و فلان و فلان! هم آن را کتمان کردند.

البته همـان معنایی است که برخی دانشـمندان با انصاف ماننـد تقی الـدین مقریزی بـدان اعتراف نموده ودر کتاب خود چنین آورده است:

ابن زولاـق چنین گفته است: در روز هجـدهم ذی حجه- روز غـدیر- گروهی از مردم مصـر، مغرب و اطراف آن برای خوانـدن دعا جمع می‌شدند؛ زیرا آن روز را به مناسبت وصیت پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب در جانشینی پس از خود، عید می‌دانستند. «۱» شواهـد بسیار دیگری نیز بر این معنا گواه است که- به برخی از آن‌ها اشاره نمودیم- نهایت و چکیده همه آن‌ها این سخن است:

واژه «مولی» در حـدیث شـریف نبوی؛ یعنی کسـی که حق اولویت در اطـاعت و صـاحب اختیاری و حکم کردن از آنِ اوست و این یعنی ولایت کبری و امامت عظمی.

---

(۱). المواعظ والاعتبار: ۲/ ۲۲۰.

تشکیک‌ها و ایرادها ... ص: ۶۴

از جمله اشکالات سستی که بر این معنا وارد شده آن است که بعضی گفته‌اند:

«ولاـیت در این حـدیث به معنای یاری رسانـدن و محبت است» و اسـتدلال ادبی نموده‌انـد که وزن «مفعل» - که «مولی» بر این وزن

است- به معنای «افعل» نمی‌آید. پس ناگزیر معنای أولی برای «مولی» درست نیست.

اینان یا نادانند و یا به نادانی تظاهر می‌کنند؛ زیرا مفسران، محدثان و اهل لغت بزرگ اهل سنت تصریح کرده‌اند که واژه «مولی» به معنای «أولی» آمده و آیه شریفه «فَالْیَوْمَ لایُؤْخَذُ مِنْکُمْ فِدْیَةٌ وَلا مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا مَأْواکُمُ النَّارُ هِیَ مَوْلاکُمْ وَبِئْسَ الْمَصیرُ» «۱» و برخی آیات دیگر را به همین معنا تفسیر نموده‌اند.

از جمله کسانی که با صراحت به این معنا اشاره نموده‌اند می‌توان به فرّاء، ابوزید، ابوعبیده، اخفش، ابوالعباس ثعلب، مبرّد، زجّاج، ابن انباری، رمّانی، جوهری، ثعلبی، واحدی، زمخشری، نیشابوری، بیضاوی، نسفی، ابوسعود، شهاب خفاجی و ... اشاره نمود. «۲»

---

(۱)

. سوره حدید: آیه ۱۵.

(۲). ر. ک: نفحات الازهار: ۸/ ۱۵- ۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۵

اینان چون دریافته‌اند که این ادعا اعتباری ندارد، به ناچار لب به اعتراف گشوده و سخن به حقیقت گفته‌اند. گرچه برخی از ایشان نپذیرفته‌اند که مراد از این برتری، اولویت در تصرف و صاحب اختیاری است؛ بلکه آن را اولویت در محبت و دوستی و بعضی نیز اولویت در پیروی و تبعیت دانسته‌اند.

البتّه این سخن نیز مانند ادّعای نخست فارغ از دلیل بوده و بی‌بنیاد است و شاهدی بر آن یافت نمی‌شود.

اگر هم بپذیریم که این اولویت در پیروی و محبت بی‌قید و شرط است، باز هم این اولویت به امام اختصاص خواهد داشت.

اما برخی از مطرح کنندگان معنای سوم- یعنی اولویت در پیروی برای کلمه «مولی» - چون سستی سخن خود را دریافتند، ناگزیر به حق اعتراف کرده و گفته‌اند که «درست است که مقصود حدیث شریف اولویت در امر امامت می‌باشد؛ ولی این اولویت فقط در دوران امامت خود امیرالمؤمنین بوده است؛ یعنی پس از اتمام دوره سه خلیفه نخست، نه بدون فاصله و بعد از پیامبر».

این ادعا نیز به چند علت غیر قابل قبول است:

۱. در برخی روایات غدیر عبارت «بعد از من» از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله نقل شده است. چنان که تاریخ‌نگار بزرگ اهل سنّت ابن کثیر در کتاب

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۶

البدایة والنهایه از عبدالرزاق همین گونه نقل کرده و در شعر معروف حسّان نیز این چنین نقل شده است.

۲. شرط لازم برای آن که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را به بعد از دوره عثمان اختصاص دهیم آن است که از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله عبارت صریح و آشکاری بر خلافت آن سه نفر نخست داشته باشیم و بتوانیم آن را با حدیث غدیر جمع کنیم که البته اهل سنّت خود بر نبود چنین عبارت صریح و آشکاری اقرار دارند.

۳. عبارت «هر کس» - که در حدیث شریف غدیر آمده- از عبارت‌های عام است که همه مخاطبان و از جمله آن سه نفر را نیز شامل می‌شود. بنابراین خلافت آن سه نفر پیش از حضرت امیر علیه السلام بی‌معناست.

۴. پذیرفتن این تأویل برای معنای «مولی» رد آشکار سخن ابوبکر و عمر است؛ زیرا آن دو نخستین کسانی بودند که به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و با این عبارت به او تبریک گفتند: «خوشا به حال تو که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی».

۵. علاوه بر این، محدثان اهل سنّت نقل کرده‌اند که ابن مسعود گوید: در شبی که گروهی از جنیان به محضر پیامبر آمده بودند،

من نیز در نزد ایشان بودم. پس از رفتن آنان حضرت آهی کشید. به ایشان

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۷

عرض کردم: چه شده ای رسول خدا؟

فرمود:

نعیت إلیّ نفسی یابن مسعود!

خبر نزدیکی مرگم به من رسیده ای پسر مسعود!

عرض کردم: پس کسی را به جانشینی خود برگزینید.

حضرت پرسید: چه کسی را؟

گفتم: ابوبکر را. حضرت سکوت کرد.

مدتی گذشت و حضرت دوباره آهی کشید.

عرض کردم: پدر و مادرم قربانت شوند! ای رسول خدا! چه شده؟

ایشان دوباره فرمودند:

نعیت إلیّ نفسی یابن مسعود!

خبر نزدیکی مرگم به من رسیده ای پسر مسعود!

عرض کردم: کسی را به جانشینی انتخاب کنید!

حضرت دوباره پرسید: چه کسی را؟

این بار گفتم: عمر را.

این بار نیز حضرت سکوت کرد و سخنی نگفت.

زمانی دیگر گذشت دوباره ایشان آهی کشید و من پرسیدم: چه

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۸

شده ای رسول خدا؟ حضرت همان پاسخ را فرمودند.

من بار دیگر گفتم: کسی را برای جانشینی خود برگزینید و ایشان نیز همان سؤال را تکرار فرمودند. من این بار در پاسخ نام علی را بردم.

حضرت فرمود:

أما والّذی نفسی بیده، لئن أطاعوه لیدخلون الجنّهٔ أکتعین؛ «۱»

سوگند به آن که جانم به دست اوست، اگر مردم از او اطاعت کنند همگی وارد بهشت می‌شوند.

حال به رغم آن که تمامی تأویلات و توجیهات اینان یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد و در نهایت چاره‌ای نمی‌یابند جز آن که زبان به اعتراف گشوده و بر دلالت حدیث غدیر به امامت حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله اقرار نمایند؛ اما باز راه دیگری در پیش گرفته و یکی از علمای متأخر آنان می‌گوید:

«چه دلیلی داریم که این امامت را به معنای حاکمیت و ریاست بدانیم؟ چه بسا امامت او باطنی باشد و ابوبکر و جانشینان او، امام ظاهر و آشکار باشند»!

---

(۱). این روایت را گروهی از علمای اهل سنّت از جمله احمد بن حنبل، ابونعیم اصفهانی، شبلی، خوارزمی، عمر ملّا، عبدالقادر

طبری و ... نقل کرده‌اند. ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: ۹/ ۲۷۴- ۲۷۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۶۹

گویا که تقسیم امامت به مدّعیان این سخن واگذار شده و ایشان نیز امامت باطنی را برای امیر مؤمنان علی علیه السلام قرار داده- چنان که صوفیه نیز مدعی آن هستند- و امامت ظاهری را برای دیگران در نظر گرفته‌اند! و گویا اینان نمی‌دانند که «مولی» به معنای رئیس، حاکم، صاحب اختیار و معانی این چنینی می‌آید؛ معانی که همگی بر حاکمیت و ریاست دلالت دارد. «۱»

بین غدیر و حوض کوثر ... ص: ۶۹

و به این ترتیب غدیر آخرین مرحله و جایگاه ابلاغ و اعلام امامت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام بود، با این تفاوت که در این مرتبه پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله با کنایه و اشاره سخن نگفت؛ بلکه با صراحت و آشکارا مطلب خویش را بیان فرمود و بی‌گمان آن چه فرمود در بیان مقصودی که داشت جامع و کامل بود که اگر چنین نبود آیه «اکمال دین» از جانب خدای متعال نازل نمی‌شد که

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتى »؛ «... ۲»

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم...

---

(۱). ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: ۸/ ۸۹- ۱۱۳.

(۲). سوره مائده: آیه ۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۰

البته در همان روز پیش از خطابه پیامبر «آیه تبلیغ» نیز فرود آمده که در آن، تأکید خدای متعال بر تبلیغ این پیام به تهدید پایان یافته بود که:

«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»؛ «۱»

و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

و در این هنگام تهدید و هشدار از سرکشی مخالفان و تحریف و تغییر در امر الهی صورت گرفت و چه زود و سریع تحریف و سرکشی به وقوع پیوست!

به راستی رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آن چه را که بر عهده‌اش بود به طور کامل انجام داد؛ اما در واپسین روزهای عمر شریف خود، در حالی که پس از آن هرگز بسیاری از آنان را نمی‌دید؛ ولی از تصمیم آنان بر آن چه که می‌خواستند انجام دهند نیک آگاه بود...

و چه زود و سریع به وقوع پیوست !...

گرچه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله منزلگاه بعدی را به آنان یادآور شده بود؛ همان وادی که دوباره همگی در آن گرد می‌آمدند و بر او وارد می‌شدند! و بی‌تردید آن بزرگوار با کلام خویش بین «آبگیر کوچک غدیر» و «دریای پهناور کوثر» پیوندی ناگسستنی ایجاد کرد؛ آن هنگام که فرمود:

---

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۱

أيّها الناس! ألا تسمعون؟

ای مردم! آیا همگی سخن مرا می‌شنوید؟

پاسخ دادند: آری می‌شنویم.

حضرت فرمود:

فإنّی فرط علی الحوض وأنتم واردون علیّ الحوض؛

من در رسیدن به حوض کوثر بر شما پیشی می‌گیرم و شما در آن جا بر من وارد می‌شوید.

البته اعتقاد به حوض کوثر امری ضروری است؛ زیرا که پنجاه نفر از اصحاب پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله حدیث آن را نقل نموده‌اند «۱» و حتی برخی از بزرگان منکر آن را کافر شمرده‌اند.

آری، کوثر را به آن‌ها یادآوری کرد تا آنان سخنی را که پیش از آن گفته بود به یاد آورند. حضرت فرموده بود:

أنا فرطکم علی الحوض ولیرفعنّ رجال منکم، ثمّ لیختلجنَّ دونی، فأقول: یا ربّ أصحابی!

فیقال: إنّک لا تدری ما أحدثوا بعدك؛

من پیش از شما در کنار حوض کوثر خواهم بود و شما بر من وارد خواهید شد؛ اما برخی از شما کنار زده می‌شوید و از من دور

---

(۱). لقط اللآلی المتناثره: ۲۵۱.

می‌گردید و من عرض خواهم کرد: پروردگارا! اینان اصحاب من هستند! لیک ندا خواهد آمد: تو نمی‌دانی که این‌ها بعد از تو چه کارهایی انجام دادند!

در روایتی دیگر ادامه این حدیث چنین آمده که حضرت فرمودند:

فأقول: سحقاً سحقاً لمن غیّر بعدی؛ «۱»

و من خواهم گفت: از رحمت خدا به دور باد آن که پس از من مرتد شده و یا دینم را تغییر داد.

ظاهر عبارت آن است که مقصود پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله تنها مردان نبوده، بلکه همه اصحاب از زن و مرد را در نظر داشته است و به یقین عایشه نیز در زمره آنان بوده است؛ زیرا روزی به او گفتند: آیا پس از وفات، تو را در نزد رسول خدا به خاک بسپاریم؟

او پاسخ داد: من بعد از او کارهایی انجام داده‌ام که بهتر است مرا در کنار دیگر همسران وی دفن کنید.

از این رو او را در بقیع به خاک سپردند. «۲»

---

(۱). این حدیث در دو صحیح بخاری و مسلم و دیگر صحاح و منابع دیگر آمده است. ر. ك: صحیح بخاری: ۴/ ۸۷، باب فی الحوض.

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۴/ ۶. وی این روایت را بنا بر نقل شیخین صحیح دانسته است؛ المعارف: ۱۳۴ و منابع دیگر.

بلکه به یقین می‌توان گفت که سخن پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله شامل تمام کسانی می‌شود که هم این واقعه تاریخی را تحریف کرده و تغییر دادند و همچنین همه آنان که تا روز رستاخیز چنین کنند.

و سرانجام همگی در کنار حوض بر پیامبر گرامی اسلام صلی اللَّه علیه وآله وارد خواهند شد.

پروردگارا! ما به آن چه تو نازل فرموده‌ای ایمان آورده و از رسول تو پیروی نموده‌ایم؛ پس ما را در زمره شاهدان قرار ده و آخرین سخن ما این است که تمام حمدها و سپاس‌ها از آنِ خداوندی است که پروردگار جهانیان است و صلوات خدا بر حضرت محمّد و خاندان پاک او باد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۵

۱. قرآن کریم.

الف

۲. الإستیعاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أُسد الغابه: ابن اثیر جزری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴. اسنی المطالب فی أحادیث مختلفهٔ المراتب: ابن درویش الحوت، مکتبه التجاریهٔ الکبری، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۵۵.

۵. الامالی: ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، مؤسسه بعثت، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۶. انسان العیون مشهور به السیرهٔ الحلبیّه: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبهٔ مصطفی بابی حلبی، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.

ب

۷. البدایهٔ والنهایه (تاریخ ابن کثیر): اسماعیل بن عمر قرشی بصری معروف به ابن کثیر، چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

ت

۸. تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک): سلمان بن احمد بن ایّوب لخمی طبری، از منشورات کتابفروشی ارومیّه، قم، ایران.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۶

۹. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۰. تفسیر ثعلبی (الکشف والبیان): امام ثعلبی، نشر مصطفی بابی حلبی، مصر، سال ۱۳۸۸.

۱۱. تفسیر فرات: فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق محمّد کاظم، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

ح

۱۲. حلیهٔ الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

خ

۱۳. الخصائص: عبدالرحمان احمد بن شعیب نَسائی، مجمع إحیاء الثقافهٔ الإسلامیهٔ، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

د

۱۴. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

ر

۱۵. الریاض النضره: محب الدین طبری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۷

س

۱۶. سنن ابن ماجه: ابن ماجه قزوینی، دار الجیل، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

۱۷. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۱۸. السنن الکبری: احمد بن حسین بیهقی، دار الکتب العلمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

ش

۱۹. شواهد التنزیل: حافظ عبیداللّه بن احمد، معروف به حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافهٔ الاسلامیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

ص

۲۰. صحیح بُخاری: ابوعبداللّه محمّد بن اسماعیل بُخاری جُعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۲۱. صحیح مسلم: مسلم بن حجّاج قشیری نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷.

۲۲. الصّواعق المُحرقه: ابن حجر هیتمی مکّی، مکتبهٔ القاهرهٔ، قاهره، مصر.

ط

۲۳. الطبقات الکبری: محمّد بن سعد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۸

غ

۲۴. الغدیر: علامه عبدالحسین احمد امینی، مرکز الغدیر، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

ف

۲۵. الفصول المهمّهٔ فی معرفهٔ الأئمّه: ابن صباغ مالکی، مکتبهٔ دار الکتب التجاریه.

۲۶. فیض القدیر: محمّد بن عبدالرؤوف مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

ک

۲۷. کفایهٔ الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب علیهما السلام: محمّد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، سال ۱۳۹۰.

۲۸. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

ل

۲۹. لقط اللآلی المتناثرهٔ فی الأحادیث المتواتره: محمّد مرتضی حسینی زبیدی.

م

۳۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: حافظ نورالدین علی بن ابی‌بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۷۹

۳۱. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۳۲. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۳۳. المصنّف: ابن ابی شیبه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۳۴. المعارف: ابومحمّد عبداللّه بن مسلم بن قُتَیْبَه، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۷.

۳۵. مناقب آل ابی طالب: محمد بن علی بن شهرآشوب سروی مازندرانی، ذوی القربی، قم، سال ۱۴۲۱.

۳۶. المناقب: ابن مغازلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

۳۷. المناقب خوارزمی: خوارزمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۳۸. المواعظ والاعتبار بذکر الخطط والآثار: تقی الدین احمد بن علی مقریزی.

ن

۳۹. نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: آیهٔ اللَّه سید علی حسینی میلانی، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، غدیرآخرین‌جایگاه، ... ص: ۸۰

(۱۷)

Ghadir،the Last Position

for Public Declaration

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».